

بازتابش مؤلفه‌های شش‌گانه فضیلت نظریه بهزیستی مارتین سلیگمن در غزل «عالی

شیرازی»

مجید لشکری*

(0009-0001-7431-6468)

محمدامیر مشهدی (نویسنده مسئول)**

(0000-0001-6591-3569)

سکینه عباسی***

(0009-0003-4719-5669)

چکیده

علم روانشناسی، با توجه به دیدگاه‌ها و روشهایی که تاکنون ارائه داده؛ در پی درمانگری روان انسان بوده و بیشتر به حیطه درمان بیماری‌ها، ناهنجاری‌ها و اختلال‌های روانی معطوف و منحصر و محدود بوده است. در این میان، برخی روشها نیز در علم روانشناسی وجود دارد، که به مرحله پیشابیماری پرداخته و به زبان ساده‌تر، با رویکردی پیشگیرانه، جویای آن است که اینگونه ناراستی‌های روانی، ایجادنشود. یکی از این روشهای نو، روشی با عنوان روانشناسی مثبت‌نگر یا مثبت‌گراست. شاید، به دلیل وجود اینگونه رویکردی در میان برخی روانشناسان، نتوان مبدع و پیشوایی را برای آن یافت؛ اما امروزه، این روش را به «مارتین سلیگمن» (۱۹۴۲م.) نسبت می‌دهند. در این روش، که یکی از جدیدترین رویکردهای روانشناسی است، عناصری که عمدتاً روحیه مثبت‌نگری را دربرمی‌گیرد، مورد هدف و ارائه قرار گرفته‌است. سلیگمن در نظریه بهزیستی شش فضیلت «تعالی معنوی»، «انسانیت»، «عدالت»، «شجاعت»، «اعتدال» و «خردورزی» و زیرمجموعه‌هایی برای آن‌ها ارائه می‌دهد.

در این پژوهش، ضمن تبیین و تطبیق فضیلت‌های شش‌گانه نظریه بهزیستی سلیگمن، با غزل «عالی شیرازی» (۱۱۲۱-۱۰۴۸ ه.ق.) از شاعران توانمند و کمتر شناخته‌شده سبک هندی، که پژوهندگان این مقاله تصحیح، شرح و تعلیق دیوان او را به انجام رسانده اند، مؤلفه‌هایی از هر شش فضیلت مثبت‌گرا که در غزل این شاعر نمود دارد، و به این قرار است: «زیبایی‌دوستی و فضیلت‌خواهی»، «قدرشناسی»، «آینده‌نگری خوشبینانه»، «باورمندی و زیست هدفمند»، «بخشندگی»، «شوخ‌طبعی»، «هیجان»، «نوع‌دوستی»، «عشق»، «مدارا»، «همت و

* دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و

بلوچستان، زاهدان. Lashkary.majid@gmail.com

** استاد، زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان،

زاهدان. ایمیل (نویسنده مسئول)، mashhadi@lihu.usb.ac.ir

*** استادیار، زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان،

زاهدان. s.abbasi31@lihu.usb.ac.ir

تلاش»، «شکیبایی»، «صداقت»، «خویشتن‌داری»، «تواضع»، «آینده‌نگری محتاطانه»، «تفکر انتقادی»، «نوآوری (خلاقیت)» و «هوش هیجانی» تبیین شده است. «عالی شیرازی» با دقتی مثبت‌اندیشانه که در پدیده‌های اطرافش داشته است، توانسته مضامینی دوسویه از جهان انتزاعی و شهودی را در بستر معنوی مشترک با یکدیگر پیوند دهد، که برخی از این عناصر عینی که او توانسته به وسیله آنها پرداختی هنری از مؤلفه‌های مثبت‌گرا داشته باشد و نیز چگونگی تبیین این پیوند با توجه به مثال‌هایی از غزل او در این پژوهش بحث شده است.

واژه‌های کلیدی: ادب غنایی، سبک هندی، غزل، عالی شیرازی، روانشناسی مثبت‌گرا، مارتین سلیگمن

۱. مقدمه:

«مارتین سلیگمن» (Martin Seligman) (۱۹۴۲م -) از چهره‌های شناخته‌شده در زمینه روانشناسی مثبت (Positive psychology) یا مثبت‌گراست و او را با عنوانی مانند «پدر روانشناسی مثبت‌نگر» می‌شناسند. همکاری‌های او با اشخاصی مانند «چیک سنت میهایلی» (Csikszentmihalyi) (۲۰۲۱-۱۹۳۴م) و «کریستوفر پترسون» (Christopher Peterson) (۲۰۱۲-۱۹۵۰م) باعث شد، که از حدود سال ۲۰۰۰م، برای نخستین بار، در دانشگاه «پنسیلوانیا» که خود او در آن فعالیت می‌کرد، این رویکرد، به عنوان رشته‌ای دانشگاهی شناخته و تدریس شود. «سلیگمن» معتقد است که بیش‌ترین تلاش روانشناسان، در زمینه کشف و درمان اختلالات و ناهنجاری‌ها و بیماری‌های روانی صرف شده است. او همچون روانشناسان پیشروی دیگر، باورمند است که تلاش‌هایی اینچنین، به این مقدار تمام نمی‌شود و می‌بایست از ظرفیت‌های فراروی روانشناسی به جهت بهبود سطح کیفی زندگی بشری بهره‌برد و نباید هم و غم روانشناسان تنها در بهبود وضعیت بیماران روانی، صرف شود، بلکه نوع بشر نیازمند بالارفتن سطح کیفی زندگی اند.

«سلیگمن» می‌گوید: «روانشناسی مثبت‌نگر به کار و فعالیت، تعلیم و تربیت، بینش و عشق، رشد، تحول و تفریح و سرگرمی توجه دارد و به دنبال آن است که بهترین روش‌های علمی را برای مسائل و مشکلات رفتار انسانی با تمام پیچیدگی‌هایش انتخاب کند» (سلیگمن، ۱۳۹۴: ۱۲).

از سویی، در میان شاعران فارسی‌سرا، شاعرانی دیده می‌شوند، که به جهان بیرون و درون نگاهی مثبت‌اندیشانه دارند، یکی از این شاعران، میرزا نورالدین محمد شیرازی متخلص به «عالی» است. وی به سال ۱۰۴۸ هـ.ق. متولد شد. بیشتر تذکرها مولد او را هند برشمرده (شفیق، ۱۹۷۷:

۱۸۸؛ گوپاموی، ۱۳۸۷: ۵۲۷؛ آزاد، ۱۳۹۳: ۲۲۸؛ اختر هوگلی، ۱۳۹۲: ۲۰۱)، برخی او را متولد غیر هند (اهل ولایت) (ایمان، ۱۳۸۶: ۱۰۶۱؛ واله داغستانی، ۱۳۹۰: ۹۸۶؛ آرزو، ۱۳۸۵: ۹۹)، و برخی او را متولد مشهد (عبدالرشید، ۱۳۴۶: ۲۳۱؛ خوشگو، ۱۲۸۶هـ.ق.: ۳۷۳) دانسته‌اند. «عالی» در دوران کودکی به همراه پدر به شیراز بازگشت (اختر هوگلی، ۱۳۹۲: ۲۰۱) و در آنجا به تحصیل علوم مختلف پرداخت. سپس «دوباره به هند بازگشت» (آزاد، ۱۳۹۳: ۲۲۹). او بعد از مراجعت به هند، «ابتدا در دربار اورنگ‌زیب منصب پانصدی یافت و در سال ۱۱۰۴هـ.ق. به داروغگی مطبخ خاص پادشاه (باورچی‌خانه) انتخاب شد و به خطاب نعمت‌خان مخاطب گشت» (خوشگو، ۱۲۸۶: ۳۷۴). او در پایان سلطنت اورنگ‌زیب «به داروغگی جواهرخانه سلطنتی برگزیده و خطاب مقرب‌خان یافت» (شفیق، ۱۹۷۷: ۱۸۸). پس از اورنگ‌زیب «با محمد اعظم‌شاه همراه شد و پس از قتل او توسط بهادرشاه، با وی هم‌رکاب شد و به منصب سه‌هزاری و خطاب دانشمندخانی رسید» (عظیم‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۰۶۲). در اواخر عمر، به دستور بهادرشاه، «مأمور به نگارش شاهنامه شد، که به دلیل مرگ «عالی» در سن ۱۱۲۱هـ.ق. در لاهور، این تألیف ناتمام ماند» (اختر هوگلی، ۱۳۹۲: ۲۰۲).

به گواه بررسی نویسندگان این پژوهش^۱، نمود توانایی ذهن و زبان «عالی شیرازی» در غزل او جان‌مایه بیشتر و بهتری نسبت به سایر آثار او دارد. غزل «عالی شیرازی» نشان‌دهنده توجه این شاعر به اندیشه‌های شاعرانه مبتنی بر رویکردهای انسان‌محور و روانشناسانه دارد، که اگرچه نمونه‌ای تمام‌عیار از سبک هندی به مثابه سبکی متکی به مضمون‌پردازی و انتزاع‌اندیشی است، اما در دام تقلیدات ذهنی و زبانی گرفتار نیامده و به‌راستی نقطه تلاقی سبک عراقی و هندی و بسیار متأثر از اندیشه حافظ است؛ اندیشه‌ای که نشان‌دهنده نگاه مثبت‌محور اوست.

۱-۱. اهداف و پرسش‌های پژوهش

نگاه اندیشه‌ورزانه «عالی شیرازی» در غزل، نویسندگان این پژوهش را یاری کرده است تا بتوانند با تکیه بر نظریه «سلیگمن» که بر پایه شش فضیلت مثبت‌نگرانه بنیان‌نهاد شده، وجوه اندیشه‌های مثبت در غزل «عالی شیرازی» را به شکلی تطبیقی بازنمایی کنند. همچنین، پرداختن و تتبع در غزل «عالی شیرازی» به عنوان یکی از شاعران مثبت‌اندیش، فراهم‌کننده بستری مناسب است برای توجه به ضرورت مثبت‌نگری در این روزگار است که علم روانشناسی و روان‌درمانگری توجه

^۱ نویسندگان این پژوهش شرح، تصحیح و تعلیق دیوان این شاعر را به‌تمام رسانده‌اند

بسیاری به آن در عرصه‌های فردی و اجتماعی دارد؛ به عبارتی، مطالعه غزل اینچنین شاعرانی به عنوان ابزاری درمان‌گر می‌تواند کاربرد داشته‌باشد. از این رو، در این پژوهش تلاش بر این بوده است تا به این دو پرسش اساسی پاسخ داده شود، که «چه مؤلفه‌های مثبت‌اندیشانه‌ای برپایه نظریه «سلیگمن» در غزل «عالی‌شیرازی» یافت می‌شود؟ و او چه عناصر طبیعی و مادی را برای پرورش این مؤلفه‌ها در آفرینش ادبی به کار گرفته است؟»

۱-۲. پیشینه پژوهش:

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که دو پژوهش با رویکردی تطبیقی میان شعر سبک هندی به عنوان سبکی اندیشه‌محور و متکی بر مضمون‌های روان‌اندیشانه ذهنی و عینی با نظریه مثبت‌نگر «سلیگمن» انجام شده است. مقاله نخست با عنوان «بررسی قابلیت امید در شعر (رودکی، عراقی، صائب، قآنی و سپهری) با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر مارتین سلیگمن» (فیاضی و علیم‌رادی، ۱۳۹۵)، که به یکی از مؤلفه‌های نظریه مثبت‌نگر «سلیگمن» و بازتاب آن در شعر شاعران نام‌برده، پرداخته است.

همچنین، مقاله دیگری با عنوان «بررسی مؤلفه‌های مثبت‌اندیشی در غزلیات صائب تبریزی بر مبنای نظریه مثبت‌نگر مارتین سلیگمن» (قربانی و دیگران، ۱۴۰۲)، که ضمن بررسی و تبیین نظریه مثبت‌نگر «سلیگمن»، مؤلفه‌های شخصیتی این نظریه را در غزلیات «صائب‌تبریزی» یافته و بررسی کرده است.

۱-۳. روش پژوهش

در این پژوهش، با تکیه بر روش تحلیلی - انطباقی، مؤلفه‌های مثبت‌نگر «سلیگمن» را در غزل «عالی‌شیرازی» بررسی شده است. با توجه به اینکه دیوانی از این شاعر تاکنون منتشر نشده است، در روند تطبیقی این پژوهش، مثال‌ها طبق نسخه خطی موجود در کتابخانه خدابخش هندوستان، به شماره 10T04:41:40Z، کتابت به سال ۱۱۱۱ هـ. ق. آورده شده اند و شماره‌های قرارگرفته در کمانک‌های هر بیت، شماره صفحه همین نسخه خطی است.

۱-۴. مبانی نظری

روانشناسی مثبت‌نگر، برپایه علم تجربی، به ویژگی‌های مثبت که در بنیان فردی و جمعی، تعریف می‌شود، متکی است؛ تا با شیوه‌ای پیشگیرانه، بر آسیب‌هایی که به روان آدمی وارد می‌آید، غلبه کند. «سلیگمن» درباره هدفش در این دیدگاه، بینش محوری روانشناسی مثبت‌نگر را در